

اجتماعی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. همچنین رویکرد مقاله برای بررسی پرسش و انگاره پژوهش به نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای باری بوزان بوده است.

## یافته‌های پژوهش

### ناتو و دلایل حضور آن در آسیای مرکزی

روس‌ها بعد از انگلیسی‌ها تنها ابرقدرت‌های قرن بیستم میلادی هستند که با خارج شدن از گروه امپریالیسم حاکم، کماکان خواهان حفظ اقتدار خود در باشگاه قدرت‌های بین‌المللی هستند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی سوسیالیستی هرچند در نظام بین‌الملل، دیگر مسکو نقش ابرقدرتی خود را به‌خاطر درگیری و مشکلات اقتصادی تا حدودی از دست داد، اما همچنان وارث تسلیحات اتمی شوروی و نیز نفوذ ساختاری حکومت کمونیست‌ها بر بلوک شرق و به‌تبع آن تأثیرگذار در نظام بین‌الملل است. از دیدگاه مسکو به همین دلیل است که دولت‌های غربی و به‌ویژه ایالات متحده خواستار روسیه‌ای هستند که در مرزهای خود محدود شود؛ بنابراین هرگونه گسترش ناتو به سوی شرق و آسیای مرکزی و به‌تبع آن به سوی روسیه، به زیان این کشور تمام خواهد شد. لذا این مسائل باعث شده تا ایالات متحده برای ایجاد نظم جدید و نفوذ در اروپای شرقی به ناتو متکی شود و ناتو تنها سازمانی باشد که حضور و دخالت ایالات متحده را در اروپای شرقی و آسیای مرکزی مشروع جلوه دهد، به‌نحوی که کسینجر آن را جایزه پیروزی در جنگ سرد می‌خواند. لذا ایالات متحده در دهه نود فرایند تحول ناتو را برای تبدیل آن به ابزاری کارآمد در راستای هژمونی خود مدیریت کرده است. این تحول در چند عرصه قابل توجه است: تبدیل ناتو به سازمانی سیاسی‌تر، مشارکت در صلح و ثبات منطقه، گسترش به شرق (Nye, 1990). به‌علاوه از آنجایی که روسیه و چین سیاست‌های خارجی فعالانه‌ای را دنبال می‌کنند، سیاست‌های غربی باید با این واقعیت که مشارکت آنها برای ماندن است، سازگار شوند. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسکو و پکن روابط خود را از بودن به عنوان